

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(۱) شناسنامه‌ی طرح درس

۲- تنها او

حوزه‌ی هدف: توحید		کد طرح درس:	
پایه: پنجم دبستان	متن درسی: درس ۲ کتاب هدیه‌های آسمان	ماه: هفته:	مدّت: ۲ جلسه
اجزای طرح درس: تعداد مراحل: (۶) فعالیت منزل: ارزشیابی: ✓ دانش‌افزایی: ✓			
وسایل مورد نیاز:			
اهداف / پیامدها: در فرایند تدریس و تا پایان آن، انتظار می‌رود دانش‌آموزان: ۱. از طریق تدبیر در شگفتی و عظمت جهان خلقت، زمینه اعطای معرفت خدا به وصف عظمت، قدرت و قرب پروردگار در ایشان ایجاد شود. ۲. با تنبه عقلی به وجوب تسلیم نسبت به گرداننده‌ی عالم، به وظیفه‌ی خود اهتمام بورزند. ۳. با دانستن اینکه راه دوستی با خداوند انجام واجبات و راه تقرب به او ترک محرمات است، با میل و رغبت بیشتری در این مسیر تلاش کنند.			
درس در یک نگاه: خداوند متعال گاهی اوقات اموری را واسطه و وسیله قرار می‌دهد برای آنکه لطف خود را شامل حال بنده‌اش ساخته و او را به معرفت خویش نایل کند. اگر معرفت‌الله برای عاقلی محقق شد، وظیفه‌ی اوست که آن را بپذیرد و ایمان بیاورد و آثار این معرفت در عمل او نمایان گردد. در این درس از طریق تدبیر در شگفتی و عظمت جهان خلقت، سعی شده زمینه اعطای معرفت خدا برای بچه‌ها فراهم شود تا آن‌ها با کسب معرفت تازه یا حداقل یادآوری معرفت سابق خود، به وجوب تسلیم نسبت به گرداننده‌ی عالم تنبه عقلی پیدا کنند. این تسلیم علاوه بر قلب، باید خودش را در اعضا و جوارح انسان نشان دهد که عمل به واجبات دینی و هم‌ارز آن پرهیز از محرمات الهی می‌باشد. با توجه به این نکته موقعیت‌هایی چالش برانگیز از زندگی روزمره مطرح می‌شود تا بچه‌ها در مورد اینکه چگونه در چنین شرایطی می‌توان در مسیر بندگی و تقرب به خدا باقی ماند، به تفکر و گفتگو پردازند.			
نقشه مفهومی: دین اعتقادات توحید شناخت خدا به واسطه تدبیر در آیات او تنبه عقلی به وجوب تسلیم نسبت به گرداننده عالم			

تلاش برای بندگی بیشتر

پیدا کردن راه حل های عاقلانه
در موقعیت های چالش برانگیزدانستن راه تقرب و اظهار دوستی به
خدا (انجام واجبات و ترک محرمات)**(۲) مراحل اجرای طرح درس**

مدت اجرا: ۱۵ دقیقه	مرحله: (۱) طرح ورودی	محل اجرا: کلاس
	مجری: مربی	روش اجرا: ارائه مشارکتی
واحد اندازه گیری طول چیست؟... بله، سانتی متر، متر. در مورد مسافت های بزرگتر چه واحدی استفاده می شود؟ مثلاً فاصله بین دو شهر؟... بله کیلومتر. حالا مسافت ها را بیشتر کنیم مثلاً قطر کره زمین. فکر می کنید قطر کره زمین چند کیلومتر باشد؟... حدود ۱۳ هزار کیلومتر. (اعداد را روی تخته بنویسید) باز هم دورتر برویم. فاصله زمین تا خورشید را می توانید حدس بزنید؟... حدود ۱۵۰ میلیون کیلومتر، ۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰. فاصله زمین تا دورترین سیاره منظومه شمسی که پلوتون نام دارد عدد خیلی بزرگی دارد. نزدیک ۶ میلیارد کیلومتر است. ۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰... وای چقدر صفر گذاشتم! می بینید که عددها مدام در حال بزرگ شدن هستند. اگر از منظومه شمسی بیرون برویم، کم کم واحد کیلومتر جوابگو نخواهد بود و باید به دنبال واحد های بزرگ تر رفت. در محاسبات مربوط به نجوم واحدی برای اندازه گیری این فاصله های غول آسا وجود دارد به نام «سال نوری». سال نوری برابر با مسافتی است که نور در یک سال طی می کند که مقدار آن می شود حدود ۹/۵ تریلیون کیلومتر! خب می خواهیم این عدد را روی تخته بنویسیم. بسم الله... ۹,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ برای اینکه بزرگی یک سال نوری را بهتر بفهمیم چند تا مثال می زنم: اگر کسی بخواهد اندازه یک سال نوری راه برود، بر فرض که به هیچ بهانه ای حتی غذا خوردن هم متوقف نشود برای پیاده رفتن این مسیر باید ۲۲۵ میلیون سال راه برود! اگر با هواپیمای مسافربری که در هر ساعت ۱۰۰۰ کیلومتر حرکت می کند برویم، برای طی مسافت یک سال نوری باید تقریباً یک میلیون و چهل و پنج هزار سال (۱,۰۴۵,۰۰۰) در راه باشیم! اگر سوار جت ما فوق صوت باشیم ۹۵۰۰۰ سال می کشد! حالا فرض کنید عمر بی نهایت داریم و می خواهیم واقعاً این مسافت را راه برویم. بدون آذوقه و تجهیزات که نمی شود! از آن جا که یک انسان بالغ به طور متوسط در هر ۱/۶ کیلومتر ۸۰ کالری انرژی مصرف می کند، حدود ۲ تریلیون		

شکلات انرژی‌زا نیاز دارد تا انرژی لازم برای طی این مسیر را به دست آورد.

در این مسیر طولانی مطمئناً هیچ کفشی دوام نخواهد آورد. اگر فرض کنیم یک جفت کفش ورزشی خوب ۸۰۰ کیلومتر دوام دارد، به اندازه ۱۱ میلیارد و ۸۰۰ میلیون جفت کفش باید بخریم! همه این اعداد و ارقام عجیب در مورد فقط و فقط یک سال نوری بود. فکر کنیم همه این شرایط فراهم است و ما بار سفر می‌بندیم تا یک سال نوری راه برویم، به کدام ستاره می‌رسیم؟... شرمنده به هیچ ستاره ای نمی‌رسیم. چون نزدیک ترین ستاره به زمین بیشتر از ۴ سال نوری فاصله دارد!

مرحله: (۲)	محل اجرا: کلاس	مدت اجرا: ۱۰ دقیقه
مجری: مربی	روش اجرا: پخش فیلم	

حالا برویم گشتی در آسمان بزنیم و ببینیم آن بالاها چه خبرهایی است! فیلم «عظمت جهان خلقت» که در CD باران موجود است را در کلاس پخش کنید.

مرحله: (۳)	محل اجرا: کلاس	مدت اجرا: ۵ دقیقه
مجری: مربی	روش اجرا: گفتگو	

خوبید بچه‌ها؟ کجاها سیر می‌کنید؟ لطفاً از اون بالاها برگردید همین جا در کلاس کوچولوی خودمان! واقعاً اگر آدم بخواهد به بزرگی جهان فکر کند، احساس انفجار مغزی می‌کند! این عددهای نجومی اصلاً قابل فهم نیستند! چه مقدار از این جهان به این عظمت به کره زمین اختصاص دارد؟... چقدرش به من انسان اختصاص دارد؟... اصلاً انسان به چشم می‌آید؟... اما همان خدایی که این خلقت عظیم را داشته و همان خدایی که امور مربوط به عالم کهکشان‌ها و کرات آسمانی را در دست دارد، اداره من کوچک ناچیز کمتر از هیچ را هم در دست گرفته. به من هزاران نعمت داده، توانایی و قدرت داده، از حال و روز من همیشه آگاه است، به من توجه دارد، در عین عظمتی که دارد کاری کرده که من ناچیز خودم را به او نزدیک حس می‌کنم.

اما امان از این انسان! با اینکه می‌فهمد از خودش هیچی ندارد در برابر این خدای با عظمت و خالق این جهان عظیم سرکشی می‌کند! تکبر می‌کند! خدا به او می‌گوید مثلاً نماز بخوان، می‌گوید نمی‌خواهم بخوانم! خب نخوان. نمی‌خواهی به این خدای با عظمت وصل شوی، خب وصل نشو! دودش به چشم خودت می‌رود!

اگر آدم عاقل باشد، در فکر فرو می‌رود که من در برابر این خدا باید چی کار کنم؟ وظیفه‌ی من در برابر او چیست؟ و می‌فهمم که وظیفه‌ی من قبول داشتن خدا و تسلیم شدن در برابر اوست، [۱] اطاعت کردن از دستورات اوست. [۲] من هر چه دارم از خداست، پس با تمام وجود او را دوست دارم، او را قبول دارم، به او ایمان دارم و از جان و دل حاضرم به حرف‌های او گوش دهم. اصلاً اطاعت من از خداست که نشان می‌دهد من خدا را درست شناخته‌ام و قبولش کرده‌ام و یک خداشناس واقعی هستم.

فرض کنید مدرسه‌ای یک مدیر توانا دارد. اگر کسی بگوید من این شخص را به عنوان مدیر مدرسه قبول دارم، اما در عمل هر کاری دلم بخواهد می‌کنم به او چه می‌گویید؟... بله، این چه قبول داشتنی است که در آن از حرف

گوش کردن خبری نیست!!! اگر مدیریت مدیر را قبول داری، پس باید از قوانینی که برای مدرسه تعیین کرده پیروی کنی.

حالا اگر کسی ادعا کند من خداشناسم، من به خدا ایمان دارم، من خدا را دوست دارم، از کجا بفهمیم که واقعاً راست می‌گوید؟... بله باید ببینیم عملش چطوری است، در عمل چقدر تسلیم خداست. حرف زدن و ادعا کردن را همه بلدند؛ مهم عمل ما آدم‌هاست. اگر راست می‌گوییم باید دوستی خود را در عمل ثابت کنیم.[۳]

مرحله: (۴)	محل اجرا: کلاس	مدت اجرا: ۱۰ دقیقه
مجری: مربی	روش اجرا: ارائه کاربرگه	

بچه‌ها، چه کسانی می‌خواهند دوستی خود را ثابت کنند؟... فکر می‌کنید چگونه می‌توانید این کار را بکنید؟... چه جوری می‌توانید دوستی خود را به خدا ثابت کنید؟... بچه‌ها، خدا به این سؤال ما یک جواب کاملاً واضح و روشن داده است.

کاربرگه شماره ۱ را در اختیار بچه‌ها قرار دهید و از آن‌ها بخواهید اولین حدیث را با صدای بلند بخوانند.

خداوند فرموده: بنده‌ی من به وسیله‌ی چیزی محبوب‌تر از انجام واجبات به من اظهار دوستی نکرده است.[۴] به به! خدایا. ممنون که این قدر قشنگ تکلیف ما را روشن کردی و راه دوستی با خودت را به ما نشان دادی: انجام واجبات. بیایید از این به بعد با یک دید دیگر به واجبات نگاه کنیم:

خدایا، اگه من نماز می‌خونم، اگر به خاطر نماز صبح با وجود خواب‌آلودگی خودمو از رختخواب می‌کنم، اگه تو سرمای زمستون و گرمای تابستون حجابمو رعایت می‌کنم، اگه گوشمو از صداهایی که تو نمی‌پسندی حفظ می‌کنم، اگه مواظب چشمم چیزهایی که تو نمی‌خوای رو نییتم، همش به خاطر اینه که می‌خوام دوستیمو بهت ثابت کنم. تو خدای خوب منی و من می‌خوام بهترین دوستم تو باشی.

بچه‌ها، اگر دیدمان نسبت به انجام واجبات این گونه باشد، کم‌کم سختی انجام آن‌ها جایش را به شیرینی و لذت می‌دهد. حالا بگویید ببینم همیشه همراه با عمل به واجبات چه چیزی مطرح می‌شود؟... بله پرهیز از محرمات یا همان دوری از گناهان. می‌دانید دوری از گناهان چه اثری بر رابطه ما با خدا می‌گذارد؟...

از بچه‌ها بخواهید دومین حدیث کاربرگه را با صدای بلند بخوانند:

خداوند فرموده: هیچ وسیله‌ای مثل دوری از گناهان انسان را به من نزدیک نمی‌کند.[۵]

بچه‌ها، عمل به واجبات و دوری از گناهان، دو بال پرواز ماست به سوی خدا. مواظب بال‌هایمان باشیم!

از بچه‌ها بخواهید دافل عبارات «انجام واجبات» و «دوری از محرمات» را رنگ کنند.

مرحله: (۵)	محل اجرا: کلاس	مدت اجرا: ۱۵ دقیقه
مجری: مربی	روش اجرا: نمایش پاورپوینت و گفتگو	

دومین جلسه:

در مورد موقعیت‌های زیر با بچه‌ها گفتگو کنید. در هر مورد از آن‌ها بخواهید تا عاقلانه فکر کنند و بگویند چگونه می‌توانند دوستی خود

را به فدا ثابت کنند؟ چگونه می‌توانند خود را به فدا نزدیک‌تر کنند؟

برای ارائه‌ی این موقعیت‌ها می‌توانید از پاورپوینت موجود در CD باران استفاده کنید.

- ۱- برای نماز صبح بیدار می‌شود، اما خیلی خسته است و دوست دارد باز هم بخوابد.
- ۲- مقنعه‌ی تازه‌ای خریده و می‌خواهد سرش کند. اما مقنعه کمی گشاد است و عقب می‌رود.
- ۳- در حال تماشای برنامه‌ی مورد علاقه‌اش است، هر چند وقت یک بار، آهنگ تندی در بین آن پخش می‌شود.
- ۴- سوار سرویس است. دوستانش با صدای بلند مشغول حرف زدن و خندیدن هستند.
- ۵- وارد جمع دوستانش که می‌شود می‌بیند در حال غیبت کردن هستند.
- ۶- آپارتمانی چند طبقه مشرف به حیاط خانه‌شان است و او می‌خواهد در حیاط بازی کند.
- ۷- به جشن تولد دوستش دعوت شده ولی پدرش اجازه نمی‌دهد برود.
- ۸- قبل از وضو دستشویی رفت. آن جا ادرار به لباسش پاشید و آن را نجس کرد.

مدت اجرا: ۲۰ دقیقه	محل اجرا: کلاس	مرحله: (۶)
	روش اجرا: روخوانی و انجام تمرینات کتاب	مجری: مربی
متن کتاب درسی [۶] در کلاس خوانده و تمرینات مورد نظر انجام شود.		

(۳) فعالیت منزل

زمان تحویل تکلیف:	زمان لازم:
متن تکلیف:	
توضیح تکلیف:	

(۴) ارزشیابی

زمان لازم:	زمان اجرای ارزیابی:
روش ارزیابی:	
توضیح ارزیابی:	
دانشی: ۱. کسی که خدا را به درستی شناخته در عمل چگونه باید باشد؟ ۲. چگونه می‌توانیم دوستی خود را به خدا نشان دهیم؟ ۳. خداوند برای نزدیک شدن به خودش چه راهی را تعیین کرده است؟ نگرشی: - عظمت پروردگار را در خلقت کهکشان‌ها می‌یابد. - نسبت به خالق کهکشان‌ها احساس کوچکی و خضوع می‌کند. - عقل او لزوم تسلیم نسبت به خدای عظیم و توانا را تصدیق می‌کند. - علاقه‌مند است با انجام واجبات و ترک محرمات، دوستی خود را با خدا نشان دهد و خود را به او نزدیک سازد. مهارتی: • در جهت انجام واجبات و دوری از گناهان، بیشتر از قبل تلاش می‌کند.	

(۵) پیشنهاد برای مربی

کاربرگه شماره ۱ را در ساینز بزرگ به مدت حداقل یک هفته در معرض دید بچه‌ها قرار دهید. طرح رنگی این کاربرگ در CD موجود است.

۶) منابع و مآخذ

[۱] الکافی، ج ۱، ص ۱۶۴، باب حجج الله علی خلقه

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ ... لِلَّهِ عَلَى الْخَلْقِ إِذَا عَرَفَهُمْ أَنْ يَقْبَلُوا

از امام صادق (ع) نقل شده فرمودند: ... حق خدا بر خلق این است که هرگاه [خدا] به ایشان معرفت داد، آن را بپذیرند.

[۲] الکافی، ج ۲، ص ۳۳، باب فی أن الإيمان مبنی لجوارح البدن

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ ... الْإِيمَانُ عَمَلٌ كُلُّهُ

از امام صادق (ع) نقل شده فرمودند: ... همه‌ی ایمان، عمل است.

[۳] تفسیر القمی، ج ۱، ص ۹۹، [سورة آل عمران (۳): الآيات ۱۸ الى ۱۹]

رَفَعَ الْحَدِيثَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع أَنَّهُ قَالَ ... إِنَّ الْمُؤْمِنَ يُعَرَفُ إِيْمَانُهُ فِي عَمَلِهِ

در حدیثی از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده که فرمودند: ... همانا ایمان مؤمن در عملش شناخته می‌شود.

غررالحکم، ح ۲۰۴۵

امیرالمؤمنین (ع) فرمودند:

مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِنَا وَ لِيَتَجَلَّبِ الْوَرَعَ

هر که ما را دوست دارد، پس باید که به عمل ما عمل کند و پایبند به ورع باشد.

الکافی، ج ۲، ص ۷۸، باب الورع

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّا لَا نَعُدُّ الرَّجُلَ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ لِجَمِيعِ أَمْرِنَا مُتَّبِعًا مُرِيدًا أَلَا وَ إِنِّ مِنْ اتِّبَاعِ أَمْرِنَا وَ إِرَادَتِهِ الْوَرَعَ

امام صادق (ع) فرمودند: ما کسی را مؤمن نمی‌شماریم مگر آنکه از همه‌ی امر ما پیروی کند و اراده‌ی انجامش را داشته باشد. آگاه باشید که یکی از موارد پیروی از امر ما و اراده انجام آن، ورع می‌باشد.

[۴] الکافی، ج ۲، ص ۸۲، باب أداء الفرائض

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَا تَحَبَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِأَحَبِّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ

از امام صادق (ع) نقل شده که فرمودند: خداوند تبارک و تعالی فرمود: بنده‌ی من به وسیله‌ی چیزی محبوب‌تر از انجام واجبات به من اظهار دوستی نکرده است.

[۵] الکافی، ج ۲، ص ۸۰، باب اجتناب المحارم

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ فِيمَا نَاجَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ مُوسَى ع يَا مُوسَى مَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ الْمُتَقَرَّبُونَ بِمِثْلِ الْوَرَعَ عَنْ مَحَارِمِي

از امام صادق (ع) نقل شده که فرمودند: از جمله مناجات‌های خدای عزوجل با حضرت موسی (ع) این بود که فرمود: ای موسی،

کسانی که [به من] تقرب می‌جویند، با هیچ وسیله‌ای همچون پرهیز و حریم گرفتن از محرمات من، به من تقرب پیدا نمی‌کنند.

[۶] انبیاء/ ۲۲

﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ﴾

اگر در آن دو- آسمان و زمین- خدایانی جز خدای یکتا می‌بود هر آینه هر دو تباہ می‌شدند. پاک و منزّه است خدای، پروردگار عرش، از وصفی که می‌کنند.

التوحيد، ص ۲۵۰، باب ۳۶- باب الرد على الثنوية و الزنادقة

عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع مَا الدَّلِيلُ عَلَى أَنَّ اللَّهَ وَاحِدٌ؟

قَالَ أَتَصَالُ التَّدْبِيرِ وَ تَمَامُ الصَّنْعِ كَمَا قَالَ عَزَّ وَ جَلَّ- لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا.

از هشام بن حکم نقل شده که گفت: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم که دلیل چیست بر اینکه خدا یکی است؟

فرمودند: به هم پیوستگی عاقبت‌اندیشی و کمال کار شایسته؛ چنان که خدای عز و جل فرمود که لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا

(۷) دانش‌افزایی مربی

معرفت بالآیه

معرفت خدای متعال تنها به لطف و صنع او برای بنده حاصل می‌شود. او می‌تواند بدون هیچ مقدمه و واسطه‌ای، معرفتش را در هر شرایطی نصیب هر کس که بخواهد، بنماید. اما سنت او چنین بوده و هست که برخی امور را واسطه و وسیله مؤثر قرار داده است برای آن که لطف خود را شامل حال بنده اش کند.

واسطه‌ای که در این جا محلّ کلام است، «آیه» و علامتی است که خداوند برای خود قرار داده تا بنده با «توجه» به آن «آیه»، به «ذوالآیه» معرفت پیدا کند. آیات الهی مخلوقاتی هستند که به نوعی علامت و نشانه پروردگار متعال دانسته شده‌اند و البته این مخلوق‌ها هیچ سنخیت و مشابهتی با خالق خود (ذوالآیه) ندارند. اگر معرفتی از طریق توجه به مخلوق حاصل شود، آن را «معرفت بالآیه» می‌نامیم.

آیات تکوینی

یک دسته از مخلوقاتی که خداوند نشانه و آیه قرار داده، آیات تکوینی نام دارند. آیات تکوینی مصنوعات هستند که توجه کردن عاقل به مصنوعیت آن‌ها بستر و زمینه‌ای برای اعطای معرفت صانع آن‌ها به بنده‌ی عاقل می‌گردد. بنابراین «توجه» به آیه‌ی تکوینی به معنای نظر عاقلانه کردن به مصنوع است که همین امر می‌تواند مقدمه اعطای معرفت به فرد توجه‌کننده باشد.

لطف خدا در اعطای معرفت

شرط اول برای آیه تکوینی شدن یک مخلوق، این است که عاقل به نور عقل خود در آن نظر کند. این نظر عاقلانه، مصنوعیت آن مصنوع را برای او مکشوف می‌گرداند، اما تا این جا مرحله اثبات صانع است و هنوز به مرحله‌ی معرفت

نرسیده است. حال اگر لطف خدا شامل حال او بشود، در همین بستر و ظرفی که به مصنوعیت مخلوقی، تنبّه عقلانی پیدا کرده، معرفت پروردگار نصیبش می‌شود. اگر چنین شود و از این طریق به معرفت برسد، آن مخلوق، آیه معرفت خدا می‌شود.

پس صرف توجّه عقلانی، سبب معرفت خدا نمی‌شود. باید علاوه بر تنبّه عقلانی عاقل نسبت به مصنوعیت یک مخلوق، لطفی شامل حال او گردد تا آن مخلوق آیه و نشانه معرفت خداوند شود.

معرفت اوصاف خداوند

در معرفت علاوه بر وجدان اصل وجود قیوم، ممکن است یکی از اوصاف او هم وجدانی شود که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

معرفت «قرب» او

یکی از مهم‌ترین اوصاف، نزدیکی و قرب «او» است. گاهی انسان وقتی زیر و رو کننده‌ی خود را وجدان می‌کند، «او» را چنان نزدیک به خود احساس می‌کند که گویی هیچ فاصله‌ای با او ندارد. حس می‌کند که از هر نزدیکی به او نزدیک‌تر است. هیچ گونه غیبتی نسبت به او در ارتباط با خودش احساس نمی‌کند. همین است که از آن به احساس حضور و قرب با خدا تعبیر می‌نماید. البته این احساس از قبیل دیدن، شنیدن و... نیست. اصلاً از این سنخ‌ها نمی‌باشد؛ ولی حالتی است که تعبیر قرب و احساس حضور تا حدّ زیادی گویای آن هست.

معرفت «عظمت» او

صفت دیگری که ممکن است در حال معرفت‌الله وجدان شود، صفت «عظمت و بزرگی» «او» است. گاهی انسان خود را در دستان قدرتمندی می‌بیند که بالا و پایش می‌برد و چنان عظمتی در او حس می‌کند که در هیچ کس دیگر سراغ نداشته است. از این طرف خود را در ید قدرت او چنان حقیر و ضعیف می‌بیند که هیچ گونه توان مقاومت و رویارویی با «او» را در وجودش نمی‌یابد. احساس می‌کند که در برابر «او» از خود هیچ قدرت و اراده‌ای ندارد و جز آنچه «او» بخواهد، هیچ کاری نمی‌تواند انجام دهد. اگر کسی چنین معرفتی یافت، می‌توان گفت که صفت عظمت و سلطنت خدای خود را وجدان کرده است.

معرفت واجب یا ایمان قلبی

وقتی حقیقتی برای انسان روشن می‌شود، نسبت به آن دو گونه موضع‌گیری می‌تواند داشته باشد: یا تسلیم آن شود و یا آن را ردّ و انکار نماید. این دو موضع هر دو قلبی هستند. بنابراین، تسلیم و ردّ (یا اقرار و انکار) یک حقیقت، دو فعل اختیاری قلبی‌اند که جایگاه آن‌ها پس از شناخت آن حقیقت است.

در بحث فعلی، حقیقت مورد نظر همان معرفت‌الله است. اگر کسی خداوند را بشناسد، پس از مرحله‌ی شناخت نوبت به قبول یا ردّ قلبی آن می‌رسد. اصل معرفت به خدا به لطف و عنایت خود او ایجاد می‌شود و اما پذیرش یا نپذیرفتن قلبی آن کار انسان مختار است. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

لِّلّٰهِ عَلَى الْخَلْقِ إِذَا عَرَفَهُمْ أَنْ يَقْبَلُوا

حق خدا بر خلق این است که هرگاه [خدا] به ایشان معرفت داد، آن را بپذیرند.

الکافی، ج ۱، ص ۱۶۴، باب حجج الله علی خلقه

عاقل به نور عقل درمی یابد که اگر حقیقتی را شناخت، نباید آن را انکار نماید. همین اقرار و پذیرش قلبی که عقلاً بر انسان واجب می باشد، «معرفت» نامیده شده.

تعبیر دیگری که مرادف با این معنای معرفت است، «ایمان قلبی» می باشد. ایمان مجموعه ای از اعمال اختیاری است که قسمت قلبی آن، همان «معرفت» اختیاری می باشد. بنابراین معرفت یا ایمان، عمل قلب کسی است که به معرفت خدا نایل گشته است. امام صادق علیه السلام فرمودند:

الْإِيمَانُ عَمَلٌ كُلُّهُ

همه ی ایمان، عمل است.

سپس سهم هریک از اعضای انسان را در عمل ایمانی معین فرمودند که در خصوص عمل قلب چنین است:

فَأَمَّا مَا فَرَضَ عَلَى الْقَلْبِ مِنَ الْإِيمَانِ فَأَلْإِقْرَارُ وَالْمَعْرِفَةُ وَالْعَقْدُ وَالرِّضَا وَالتَّسْلِيمُ بِأَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ... وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ ص وَالْإِقْرَارُ بِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مِنْ نَبِيٍّ أَوْ كِتَابٍ فَذَلِكَ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَى الْقَلْبِ مِنَ الْإِقْرَارِ وَالْمَعْرِفَةِ وَهُوَ عَمَلُهُ ... وَهُوَ رَأْسُ الْإِيمَانِ

اما آن چه از ایمان که بر قلب واجب دانسته، اقرار و معرفت و اعتقاد و رضا و تسلیم است به این که معبودی جز الله یگانه و بی شریک نیست... و این که حضرت محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده ی اوست... و اقرار به پیامبران و کتب آسمانی که از جانب خدا آمده اند. پس این چنین اقرار و معرفت را خداوند بر قلب واجب کرده و همین عمل او (قلب) است... و آن سرِ ایمان است.

الکافی، ج ۲، ص ۳۳، باب فی أن الإیمان مبثوث لجوارح البدن

ایشان در ادامه ی فرمایش خود سهم هر یک از اعضا و جوارح اصلی را در عمل ایمانی معین فرموده اند؛ ولی روشن است که نقش اصلی را در این جا قلب دارد که عمل اختیاری آن اقرار و اذعان به معرفت خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و سایر اموری است که پذیرفتن آن ها واجب دانسته شده است. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

الْإِيمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَإِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ

ایمان عبارت است از معرفت قلبی و اعتراف زبانی و عمل به جوارح.

نهج البلاغه، حکمت ۲۲۷

برگرفته از کتاب توحید، دکتر سید محمد بنی هاشمی، ج ۲ و ۴

رعایت تقوا و ورع، اهتمام به واجبات و پرهیز از محرمات

اولین و پایه ای ترین شرط بندگی، عمل به واجبات دینی و اهتمام داشتن نسبت به انجام آنهاست. خداشناس مؤمن نمی تواند ببیند که واجبی از او فوت می شود. او می داند که محبوب ترین کارها نزد خداوند، عمل به فرائض است. امام صادق علیه السلام فرمودند:

قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَا تَحَبَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِأَحَبِّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ

خداوند تبارک و تعالی فرمود: بنده‌ی من به وسیله‌ی چیزی محبوب‌تر از انجام واجبات به من اظهار دوستی نکرده است.
الکافی، ج ۲، ص ۸۲، باب أداء الفرائض

در کنار عمل به واجبات و هم ارز آن، پرهیز و دوری از محرّمات الهی است. بهترین راه تقرّب به پروردگار، حریم گرفتن نسبت به محرّمات است که از آن به «ورع» تعبیر می‌شود. امام صادق علیه السلام فرمودند:

فِيمَا نَجَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ مُوسَى يَا مُوسَى مَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ الْمُتَقَرَّبُونَ بِمِثْلِ الْوَرَعِ عَنْ مَحَارِمِي

از جمله مناجات‌های خدای عزوجل با حضرت موسی علیه السلام این بود که فرمود: ای موسی، کسانی که [به من] تقرّب می-
جویند، با هیچ وسیله‌ای همچون پرهیز و حریم گرفتن از محرّمات من، به من تقرّب پیدا نمی‌کنند.

الکافی، ج ۲، ص ۸۰، باب اجتناب المحارم

«ورع» کمالی است در انسان که زمینه‌ی پرهیز و حتی فرار از گناهان را در او فراهم می‌کند؛ به طوری که از نزدیک شدن به آن وحشت دارد و از ترس اینکه مبادا به حرام بیفتد، به حدّ و مرز آن نزدیک هم نمی‌شود. به همین جهت در ترجمه‌ی آن، تعبیر حریم گرفتن را به کار بردیم.

سلوک منتظران، دکتر سید محمد بنی‌هاشمی، ص ۲۰۹ و ۲۱۱

نهاد
تربیت

۸) کاربرگ‌ها

کاربرگ شماره ۱

نام: _____

پولک

۲- تنها او

خدایا،

من به تو ایمان دارم

و تو را دوست دارم.



چگونه دوستی خود را به تو ثابت کنم؟

خداوند فرموده: بنده‌ی من به وسیله‌ی چیزی محبوب‌تر از انجام واجبات به من اظهار دوستی نکرده است.

(حدیث امام صادق علیه السلام)

چگونه خود را به تو نزدیک‌تر کنم؟

خداوند فرموده: هیچ وسیله‌ای مثل دوری از گناهانی، انسان را به من نزدیک نمی‌کند.

(حدیث امام صادق علیه السلام)



بچه‌ها، عمل به واجبات و دوری از گناهان، دو بال پرواز ماست به سوی خدا، مواظب بال‌هایمان باشیم!



۹) پیوست‌ها

پیوست شماره ۱ رو (اختیاری)

انظروا إلی التَّمَلَّة «با دقت به مورچه بنگرید»

در بخش‌هایی از کتاب نهج البلاغه، از آفرینش برخی موجودات سخن گفته شده است. از آن جمله، در خطبه ۱۸۵ این کتاب امیرالمؤمنین (ع) به بعضی از شگفتی‌های آفرینش مورچه اشاره کرده‌اند. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند:

به مورچه نگاه کنید، با آن جثه‌ی کوچک و اندام ظریفش، که به خاطر کوچکی به راحتی دیده نمی‌شود، چگونه روی زمین راه می‌رود و به روزی‌اش دست می‌یابد. دانه‌ها را به لانه‌اش منتقل و در مکانی معین نگهداری می‌کند. در فصل گرما برای سرما ذخیره می‌کند. روزی‌اش [از سوی خدا] تضمین شده و خداوند هرگز از او غافل نمی‌شود.

شگفتی‌های آفرینش مورچه در بیان دانشمندان:

✓ آینده‌نگری مورچه و مدیریت او بسیار جالب است: در تابستان با الهام درونی به فکر زمستان سخت است؛ در صورتی که چه بسا هنوز زمستانی ندیده است. دانه‌های غذایی را به طور مناسبی نگهداری می‌کند، گاه آنها را از لانه بیرون می‌آورد تا هوا بخورند و فاسد نشوند و گاه آنها را به دو یا چند قسمت تقسیم می‌کند تا سبز نشوند و فاسد نگردند. ، مورچه حتی دانه گشنیز را به چهار قسمت تقسیم می‌کند؛ زیرا اگر کمتر از آن باشد، سبز می‌شود و از بین می‌رود.

✓ شهرهای مورچگان گاهی به طول ۱۰ متر و به عمق ۲ متر می‌رسند. مورچه‌ها با آرواره‌های خود به وسیله خاک، خشت می‌زنند و همانند آجر روی هم می‌چینند و دیوار می‌سازند. روی آن را سقف می‌زنند و با برگ و خاشاک می‌پوشانند.

✓ اگر مورچه‌ها را از لانه خارج کنیم خواهیم دید که پس از چندی مواد غذایی آنان فاسد می‌شود. همانند زنبورها که با بال زدن عسل را خنک نگه می‌دارند و هوای داخل کندو را متعادل می‌کنند، مورچه‌ها هم حرکاتی را با زحمت فراوان از خود نشان می‌دهند تا سیلوهای غذایی آنها سالم بماند و مواد غذایی خراب و فاسد نگردد.



ادامه فرمایش امیرالمؤمنین (ع):

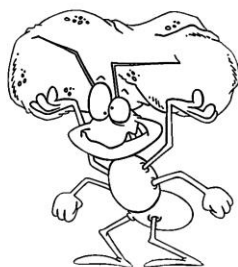
اگر در دستگاه گوارش او و آنچه درون بدن او وجود دارد و آنچه در سر او از چشم و گوش قرار گرفته است بیندیشی، شگفت‌زده خواهی شد و از وصف آن به زحمت خواهی افتاد. پس بزرگ و بلند مرتبه است خداوندی که مورچه را روی دست و پای [ضعیف و ظریفش] بر پا داشت.

✓ مورچه‌ها در اندام کوچک خود که گاهی فقط به دو میلی متر می‌رسد، همه دستگاه‌هایی را که در یک حیوان عظیم الجثه هست، دارند.

✓ مورچه دارای سر بسیار کوچکی است که پنج چشم در دو طرف آن دارد. یعنی سه چشم روی پیشانی و دو چشم در دو طرف سر قرار دارد. و هر کدام از این دو چشم از ۲۰۰ الی ۴۰۰ چشم تشکیل شده‌اند که سلسله اعصاب هر یک به مغز کوچک سر آن حیوان متصل و مرتبط است. دهان مورچه دارای آرواره‌های قوی است که دانه‌های خشک را می‌شکند و خرد می‌کند. آب دهان مورچه همانند زهر زنبور است که با گاز گرفتن، زهرش را در پوست تن انسان تزریق می‌کند.

✓ مورچه با شاخک‌های خود بوها را استشمام می‌کند. شاخک‌ها دارای چند بند هستند که هفت بند آن مرکز حس شامه است و هر یک از بندها برای بوئیدن یک نوع از انواع مختلف بو می‌باشد. مثلاً بوی آشیانه زنبور یک بوی خاص است که با بند آخر شاخک حس می‌شود و بوی کارگران خانواده مورچه‌ها به وسیله بند ما قبل آخر و بوی رد عبور دیگر مورچگان با بند سوم حس می‌شود. اگر آخرین بند این عضو را قطع کنند، مورچه دیگر قادر به پیدا کردن منزل خود نیست و راه را گم می‌کند و بی‌جهت به هر طرف می‌چرخد و در نهایت به آشیانه دیگران می‌رود و مورد هجوم نگهبانان آنجا قرار می‌گیرد.

در یکی از بندهای شاخک، حس بوئیدن ملکه است و بند دیگر برای تشخیص دوست از دشمن است. مورچه‌ها با شاخک‌ها با همدیگر سخن می‌گویند. وقتی شاخک‌ها را به هم می‌زنند به یکدیگر پیام می‌دهند.



۱۰) نظرات کارشناسی مربی

مربی محترم، به منظور ارتقای کیفیت طرح درس‌ها و بهره‌مندی از نظرات کارشناسی جنابعالی خواهشمندیم با پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر ما را یاری فرمایید.

۱. این طرح درس را در چند جلسه اجرا کردید؟

.....

۲. آیا برای اجرای این طرح درس، به پیش‌نیازی هم احتیاج پیدا کردید؟

.....

۳. اهداف این طرح درس در کلاس شما تا چه حد محقق شده است؟

.....

۴. آیا قسمتی از طرح درس بوده که به نظر شما سنگین‌تر از سطح درک دانش‌آموزان بوده و نیاز به توضیح بیشتر داشته باشد؟

.....

۵. جای چه مطالبی را در این طرح درس خالی دیدید؟

.....

۶. چگونه میزان یادگیری دانش‌آموزان خود را مورد ارزیابی قرار دادید؟

.....

۷. آیا برای این درس کاربرگه جداگانه‌ای هم طراحی کردید؟ در صورت مثبت بودن پاسخ لطفاً نمونه آن را ضمیمه پرسشنامه کنید.

.....

۸. آیا قسمت منابع و دانش‌افزایی مربی در این طرح درس، اطلاعات مورد نیاز شما را تأمین کرد؟ چه کمبودهایی داشت؟

.....

۹. چه نکات دیگری به منظور بهبود کیفیت این طرح درس به نظر شما می‌رسد؟

.....

.....

.....

یادداشت



یادداشت



یادداشت

